

مریم رجوی: شهیدان قیام، خامنه‌ای را به منفورترین دیکتاتور زمانه تبدیل کردند

دی ۱۳۹۸

بزرگداشت چهلمین روز شهیدان قیام آبان در اشرف ۳

قیام‌کنندگان برای آزادی،
مادران و پدران شهیدان،
اعضای دلیر کانون‌های شورشی،
هموطنان، هزاران سلام و درود بر همه شما،
در آستانه چهلم شهیدان با رشیدترین فرزندان مجاهد مردم ایران در اشرف ۳ گردآمده‌ایم. مسعود رجوی گفته
است «رود خروشان خون شهیدان ضامن پیروزی محتوم خلق ماست»، شهیدانی که با فدای جان‌های خود ایران
و جامعه ایران را برانگیخته و زنده کرده‌اند.
این، گرامی‌داشت شهیدان قیام از جانب همه مادران و پدران داغدار است. از سوی همه کسانی که در این ۴۰ روز
برای سیاوش‌ها و آرش‌های زمانه اشک ریختند و برخشم و عزم خود برای ریشه‌کنی ولایت خونخوار فقیه
افزودند.
باتمام قلب و روح به همه شما به‌خاطر از دست دادن عزیزترین عزیزانتان تسلیت می‌گوییم و به پایداری شما
درود می‌فرستیم.
در اشرف ۳ همراه با مجاهدان راه آزادی مردم ایران، یاد گلگون بیش از ۱۵۰۰ جوان به‌خون غلتیده را گرامی
می‌داریم. البته می‌گویند که آمار شهیدان از این هم بیشتر است و وای بر این قاتلان و جنایتکاران.
این مراسم بزرگداشت شهیدان، از سوی مادری است که در پی پیکر متلاشی‌شده فرزندش می‌دوید و فریاد
می‌کشد که این پسر من است.

از سوی پدرانی که مجبورشان می‌کنند پول تیرهایی را بپردازند که بر سر و قلب فرزندان شان نشست. این مراسمی است از سوی خانواده‌های دختران و پسران سیزده - چهارده ساله‌یی که توسط پاسداران به قتل رسیدند و این مراسمی است برای دادخواهی خون شهیدان و آتشباری به شقاوت خلافت خامنه‌ای خونخوار در ایران اشغال شده. مرگ برخامنه‌ای لعنت بر خمینی.

گل‌ها و غنچه‌های یک نسل شورشی

با مردم و جوانان دلیر ایران و همه یاران و همسنگران و همشهری‌ها و هم‌محله‌یی‌های شهیدان سرفراز و قبل از همه، با شما خانواده‌های داغدار، به‌خصوص مادران دل‌سوخته، از سوی مقاومتی حرف می‌زنم که چهل سال است با شقاوت و دجالیت آخوندهای حاکم در جنگ و نبرد است.

از آتش‌گشودن پاسداران به روی قیام ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در تهران و به مسلخ بردن مجاهدان و میلیشیا‌های خونین بال و مجروح از روی تخت بیمارستان‌ها در ۵ مهر سال ۱۳۶۰، تا شهیدان فروغ جاویدان و قتل عام سی‌هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷ و حملات وحشیانه وحوش خامنه‌ای و موشکباران‌ها در اشرف و لیبرتی. در همه لحظات این نبرد ۴۰ ساله، بیشمار یاران و خواهران و برادران مجاهد و مبارزم توسط آخوندها کشتار و اعدام و قتل‌عام شده‌اند. بدانید که مجاهدین و اعضای این مقاومت، با تمام وجود درد و داغ شما را احساس می‌کنند.

اما بدانید که آن شهیدان، زنده و جاویدان‌اند. آن‌ها، گل‌ها و غنچه‌های یک نسل شورشی هستند. شکوفه‌های عزم و اراده مقدس یک ملت به‌پاخاسته، و پیک‌های خونین فرشته آزادی به سوی ایران زمین. پس سرتان را بالا بگیرید. افتخار کنید. شما مادران و پدران قهرمانانی هستید که لرزه‌سرنگونی را چنان به‌جان رژیم آخوندی انداخته‌اند که دیگر از آن خلاصی ندارند.

به‌شاهراهی که به سوی آزادی باز کرده‌اند، بنگرید. ببینید که چطور هیبت پوشالی ولی فقیه و سپاه پاسداران‌اش را فرو ریختند. ببینید که چطور پایگاه‌های سرکوب و جنایت را در هر شهر ایران منکوب خشم خود کردند. بله، این نسل و شهیدان‌اش افتخار تمام مردم مشتاق آزادی در ایران و جهان هستند.

باید از همه خانواده‌ها و کانون‌های شورشی قدردانی کرد که در این چند هفته برای جمع‌آوری نام‌ها و عکس‌های شهیدان قیام، تلاش پرخطری کردند و می‌کنند.

هم‌چنین، تقدیر و سپاس بسیار از اشرف‌نشان‌ها و خواهران و برادران پشتیبان این مقاومت در سراسر دنیا، که صدای شهیدان قیام را به جهان می‌رسانند. در برنامه همیاری با سیمای آزادی هم دیدیم که با چه جدیت و

ایمانی از قیام ایران دفاع کردند. این کارزاری است بسیار ارزشمند و بخشی از قیام آبان و قیام‌هایی که در راه است.

جنایت علیه بشریت در خیابان‌ها

بنا به گزارش‌هایی که تا امروز به دست آمده، شمار شهیدان قطعاً بیشتر از ۱۵۰۰ نفر است. البته تعداد واقعی بسا بیشتر است. اما تا همین جا هم رژیم دست کم ۶۰ بار بیشتر از قیام دیماه ۹۶ کشته و تعداد بیشتری را مجروح و مصدوم کرده است. با تیغ و تبر و گلوله‌های ساچمه‌یی...

در واقع آنچه که اتفاق افتاده جنایت علیه بشریت است که در خیابان‌ها در مقابل چشم مردم بی‌دفاع صورت می‌گیرد. این یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های قرن بیست و یکم است که جهان به چشم می‌بیند. جهان می‌بیند که رژیم آخوندها حتی از کشتار کودکان و نوجوانان ۱۴ - ۱۳ ساله ابا نمی‌کند. امیر رضا عبداللهی نوجوان ۱۳ ساله در اسلام‌شهر، نیکتا اسفندانی ۱۴ ساله در خیابان ستارخان تهران، آرمین قادری ۱۵ ساله، در محله دولت آباد کرمانشاه و خالد غزلاوی ۱۶ ساله در خرمشهر و رضا نیسی، ۱۶ ساله، در منطقه پاستوریزه اهواز. تازه این‌ها بخشی از نوجوانان شهید ما در این قیام‌اند.

راستی امیررضا و نیکتا و آرمین به چه گناهی کشته شدند؟ خالد و رضا چرا خون‌شان بر زمین ریخت؟ فریاد به آسمان رفته خون آن‌ها این است که بای ذنب قتل؟ به کدامین گناه کشته شدیم؟

در بین شهیدان سرفراز قیام، نام‌های زنان دلیر ایران را می‌بینیم. آن‌ها که پاسداران را مغلوب شور و جنگاوریشان کردند و بارها رژیم به نقش تعیین‌کننده آن‌ها در قیام اعتراف کرد. درود بر این شیرزنان قهرمان.

کشتارها نشانه دوران پایانی رژیم

همه شهیدان قیام چه آن‌ها که در سنین نوجوانی بودند، یا آن‌ها که مادر چند فرزند بودند یا آن‌ها که از فرزندان مردم بسیار زحمتکش و محروم ما هستند، و در ابتدای دوران جوانی خود بودند، بله همه در یک ویژگی مشترک‌اند و آن مظلومیت آن‌هاست.

این عزیزان در روزهای قیام در مقابل هیولای سنگدلی و بی‌رحمی، بی‌دفاع و دست خالی بودند. چه بسیار سرهای پر شور و قلب‌های بی‌آلایش آن‌ها که هدف گلوله‌های جنگی قرار گرفت. و بسیاری از آن‌ها هنوز اجسادشان ناپیداست.

اما بگذارید تأکید کنم رژیمی که این جوانان و نوجوانان برای سرنگونی‌اش به خیابان‌ها آمده‌اند، غیرممکن است که دیگر بتواند خود را سرپا نگهدارد.

اگر خامنه‌ای و پاسداران اش فکر می‌کنند با پر کردن نیزارهای ماهشهر از پیکرها و خون مردم بی‌دفاع ما، می‌توانند به حکومت خود ادامه دهند، سخت در اشتباه‌اند.

اگر فکر می‌کنند با به خاک و خون کشیدن جعفرآباد و دولت‌آباد کرمانشاه یا صدرا و معالی‌آباد شیراز یا بهبهان و مریوان می‌توانند این رژیم پوسیده را حفظ کنند، سخت در اشتباه‌اند. کشتارها نشانه دوران پایانی رژیم ضدبشری آخوندی است.

آری این قهرمانان و شهیدان سرفراز ما هستند که خامنه‌ای را به‌عنوان دستوردهنده اصلی این کشتار بزرگ در خیابان‌های ایران به منفورترین دیکتاتور خون‌آشام این زمانه، تبدیل کردند.

اما به‌رغم همه این خونریزی‌ها و جنایت‌ها، قیام ایران ادامه دارد. آخوندها این آرزو را به‌گور می‌برند که بتوانند به‌گفته خودشان این قیام را جمع کنند. به‌قول مسعود رجوی «قیام و شورش برای سرنگونی و حاکمیت جمهور مردم ایران جمع شدنی نیست. ... زمان تکثیر و گسترش و پهن کردن کانون‌ها و محله‌ها و شهرهای شورشی است، نه جمع کردن! آنچه در برنامه و دستور است، جمع کردن تمامیت نظام ولایت و اذتاب آن است».

نکات و نتیجه‌گیری‌ها

قیام آبان‌ماه در حالی بوقوع پیوست که برخلاف قیام دی ۹۶، رژیم در شرایط غافلگیری نبود. از قبل برای مهار واکنش‌های اجتماعی علیه گرانی بنزین، نیروی سرکوب را به‌حالت آماده‌باش درآورده بود. از فردای قیام ۹۶، با انواع روش‌های اختناق‌آفرین و بسیاری فریبکاری‌ها تلاش کرد هر فرصت یا زمینه‌یی را از بین ببرد تا دیگر چنین خیزشی سربرندارد. اما نتوانست و در جلوگیری از قیام مجدد شکست خورد.

من سعی می‌کنم در این فرصت، نکات و نتیجه‌گیری‌های خیلی ضروری را در باره این قیام خلاصه کنم:

قیام آبان ضربه‌یی جبران‌ناپذیر به تمامیت رژیم

۱- قیام آبان در ۴۸ ساعت اول، ضربه‌یی بنیان‌کن، شوک‌آور و جبران‌ناپذیر به تمامیت رژیم وارد کرد. مردم خشمگین در مقابله با نیروهای سرکوبگر، مراکز سرکوب و چپاول و ظلم و ستم آخوندی را در هم کوبیدند. به گفته سران رژیم هزار بانک، ۹۰۰ پمپ بنزین و بسیاری از فرمانداری‌ها به‌آتش کشیده شد. بیش از ۸۰ پایگاه سپاه و بسیج و کلانتری و شمار زیادی از حوزه‌های جهل و فساد را هدف قرار دادند یا تسخیر کردند.

قیام‌کنندگان بخش‌های گسترده‌یی از چند شهر را آزاد کردند. از شیراز و صدرا تا ماهشهر و شهریار و اسلام‌شهر و قدس.

هم‌چنین در برخی نقاط هم‌چون کوره‌های ماهشهر، به‌جان‌آمدگان عاصی سلاح به‌دست گرفتند. شورش و اعتراض به‌نبردی تمام‌عیار با جانیان پاسدار تبدیل شد. و آن‌ها راه و چشم‌انداز پیروزی قیام‌ها و رهایی ایران از این رژیم ایران‌سوز را به همگان نشان دادند.

صحنه رویارویی مردم با تمامیت رژیم

۲- این قیام صحنه رویارویی مردم و جوانان قیام‌آفرین و کانون‌های شورش با تمامیت رژیم و قوای سرکوبگر و دستگاه سیاسی آن بود. از ساعت ۲ بعدازظهر ۲۵ آبان رژیم، وحشت‌زده آماده‌باش قرمز امنیتی برقرار کرد و سپاه پاسداران، فرماندهی سرکوب را به‌طور کامل در دست گرفت و همه نیروهای سرکوبگر تحت فرمان مستقیم سپاه قرار گرفتند. اما باز هم قادر به کنترل اوضاع نشدند. در ساعت ۶ و ۴ و پنج دقیقه صبح یکشنبه، خامنه‌ای شتابزده و تحت عنوان درس فقه به صحنه آمد تا ضمن حمایت از افزایش قیمت بنزین، خود شخصاً دستور سرکوب همه‌جانبه را بدهد او گفت: «مسئولین کشور به وظایف‌شان به‌طور جدی عمل کنند». همه دیدند که در شهرهایی مثل خرمشهر، کرمانشاه و شیراز و ماهشهر نفربر زرهی و تانک و هلیکوپتر هم به‌کار گرفتند.

یک نقطه عطف بازگشت‌ناپذیر

۳- در جبهه مردم بنا به‌گفته وزیر کشور روحانی، شمار شرکت‌کنندگان در نبردها و قیام‌ها ۶۰۰ هزار نفر بوده است. او گفت از این تعداد، جمعیتی بین ۱۳۰ الی ۲۰۰ هزار نفر «دائماً می‌چرخیدند و در جاهای متعدد اغتشاش می‌کردند. مثلاً در روز شنبه تهران در ۱۰۰ نقطه دچار حادثه و درگیری بود». تازه این گوشه‌یی از آن چیزی است، که این‌ها به زبان می‌آورند، فکر کنید که واقعیت چه بوده است. معلوم است که رژیم آمار را بارها و بارها کمتر از واقعیت می‌گوید. اما در همین حد هم اعتراف می‌کند که یک نیروی جنگنده ضد رژیم در مقیاس چند صد هزار نفر به‌نبرد برای سرنگونی استبداد مذهبی برخاسته است. این همان نیروی جنگنده ضد رژیم است. آری ستون فقرات نبرد آزادی‌بخش برای سرنگونی، خود را در خیابان‌های سراسر ایران هویدا کرد.

هیئت پوشالی سپاه فرو ریخت. مردم به‌قدرت خود ایمان آوردند، ترس جبهه عوض کرد. حالا ترس دائمی بر رژیم حاکم شده است. و این نتیجه پر اهمیت سیاسی و استراتژیک قیام است. مردم و مقاومت ایران با بهایی سنگین به جهشی عظیم و بازگشت‌ناپذیر دست یافتند. هم رژیم و نیروهای سرکوبگر آن و هم مردم و قیام‌آفرینان و

جوانان و کانون‌های شورشی از یک نقطه عطف عبور کردند و بازگشت به شرایط قبل از قیام آبان ۹۸، نامتصور است.

جامعه انفجاری و شهرهای شورشی

۴- مینا و زمینه عینی این قیام یک جامعه جوشان و خروشان و انفجاری است. قیام‌ها از شهرهایی زبانه کشید که محل سکونت مردم محرومی است که از روستاها یا شهرهای کوچک مهاجرت کرده‌اند از اسلام‌شهر و قلعه حسن خان و شهریار و رباط کریم و مارلیک در جنوب و غرب استان تهران تا فردیس و گلشهر کرج، از جعفرآباد و الهیه و دولت‌آباد کرمانشاه، تا زورآباد و شریف‌آباد سنندج و جوجه‌سازی مریوان، از معالی‌آباد و کوزه‌گری شیراز تا زینبیه اصفهان.

بله ساکنان این شهرها از بیکاری و فقر می‌سوزند، از بسیاری خدمات زندگی شهری محرومند و از بسیاری جهات بخش حذف‌شده جمعیت کشورند. این شهرها و شهرک‌ها حاصل غارت و ویرانگری رژیم به‌ویژه از دهه ۷۰ تا امروز است و یکسبه به‌وجود نیامده است که چاره و راه‌حلی داشته باشد. یعنی برای رژیم، چاره و راه‌حلی نیست زیرا این‌همه فاجعه و فقر و بلای اجتماعی را خود ایجاد کرده‌اند. در نتیجه باید گفت که آخوندها در مقابله با کانون‌های نبرد و قیام در این شهرها، عاجز و در بن‌بست هستند. و این سرنوشتی است که در آینده نزدیک مجدداً گریبان این رژیم را خواهد گرفت.

کانون‌های شورشی جرقه و آتش‌زنه قیام‌ها

۵- حالا دیگر رژیم به زبان خاص خودش اذعان می‌کند که کانون‌های شورشی در دو سال گذشته بی‌وقفه کار کرده و به‌جنبش اعتراضی مردم ایران سمت و جهت بخشیده‌اند. فعالیت کانون‌ها از دیماه ۹۶ تا امروز با دستگیری‌ها و فداکاری‌های بسیار عجیب بوده است، تا شعله‌های قیام را فروزان نگهدارند. و چنان که مسعود رجوی در آبان ۹۷ گفت: «کانون‌های شورشی به‌عنوان جرقه و آتش‌زنه قیام‌ها وارد کار می‌شوند. این نوک هرم قیام‌ها و معین عمل سمت‌دهنده و راهنماست. عامل استمرار و تضمین پیشرفت و پیروزی است. از تشبیت و تکثیر و ترکیب آنها با یکدیگر در شهرهای شورشی یکان‌های ارتش آزادی پدید می‌آید». و قیام آبان، صحت و حقانیت استراتژی کانون‌های شورشی و شهرهای شورشی را آشکار کرد. این استراتژی را رهبر مقاومت از سال ۹۲ بعد از قتل عام مجاهدین در اشرف، تدوین و اعلام کرد. بله کانون شورشی ایده راهگشا و راهنمای نسل شورش و عصیان است.

قتل عام یک نسل جنگ آور در خیابان‌ها

۶- رژیم ولایت فقیه در مقابل قیام آزادی خواهانه مردم ایران به جنایت علیه بشریت دست زد. در سال ۶۷، خمینی در درون زندان‌ها و به صورت پنهانی به قتل عام دست زد. حالا خامنه‌ای در خیابان‌ها به قتل عام روی آورده است. شلیک گلوله به سر و قلب جوانان در فاصله‌ی بسیار نزدیک، سربسته‌یست کردن قیام‌کنندگان در سدها و کانال‌های آب و تیر زدن به مجروحان در کف خیابان. خامنه‌ای و سپاه جزار او با دست زدن به کشتار، گور رژیم خود را کنده‌اند. این خونریزی‌ها که جامعه ایران را در خمی صد چندان بیشتر از گذشته فرو برده، دینامیزم قیام‌های آینده است و عزم مردم ایران برای نبرد آزادی را صد چندان می‌کند.

یک نسل جنگ‌آور، بی‌باک، متهور و آگاه، با روحیه تهاجمی فوق‌العاده، برای سرنگونی رژیم پا به عرصه نبرد گذاشته است. نسل قیام‌آبان، نسل شورش و عصیان، نیروی تعیین‌کننده برای نبردی است که ارتش بزرگ آزادی مردم ایران در پیش دارد.

به عکس‌ها نگاه کنید. به چهره‌ها نگاه کنید. به سن آن‌ها نگاه کنید. به عزم و اراده آن‌ها نگاه کنید. و به خشم‌شان که برآمده از خشم یک ملت اسیر و به جان آمده است، خوب به آن‌ها نگاه کنید که چه می‌گویند و چه می‌خواهند. آن‌ها به هر قیمت، به هر قیمت، سرنگونی تمامیت این رژیم را می‌خواهند. برای همین این چنین شجاعانه و دلاورانه در مقابل گلوله‌های دشمن سینه سپر کردند و به شهادت رسیدند. درود بر همه آن‌ها.

توهمات و پندارهای بر باد رفته در قیام

۷- آبان خونین رشته‌یی از توهمات و افسانه‌ها درباره رژیم را بر باد داد. این رژیم نه امکان ماندگاری و بقا دارد و نه از ثبات و تعادل برخوردار است. این قیام هم‌چنین نشان داد که انقلاب‌های رنگی و مخملی در ایران پندارهای باطل است. در جامعه ایران کسی به درون رژیم چشم ندوخته است. تنها راه، سرنگونی تمامیت این رژیم است و این محقق خواهد شد.

جامعه جهانی باید به سکوت و بی‌عملی در مقابل رژیم خاتمه دهد

۸- جامعه جهانی باید به سکوت و بی‌عملی خود خاتمه دهد. دولت‌ها و مجامع بین‌المللی باید خواهان توقف فوری کشتار و دستگیری‌ها شوند. خامنه‌ای که علناً دستور سرکوب را صادر کرد، روحانی رئیس‌جمهور رژیم که بارها

از عملیات سرکوب حمایت کرد، تا جلادانی مثل شمخانی دبیر شورای عالی امنیت و سلامی سرکرده سپاه، همه جنایتکاران علیه بشریت هستند. شورای امنیت باید سردمداران رژیم را به خاطر این همه سرکوب و خونریزی، جنایتکاران علیه بشریت اعلام کند تا در برابر عدالت قرار بگیرند.

سازمان ملل باید سریعاً هیأت‌های تحقیق در مورد شهیدان و مجروحان و زندانیان را به ایران بفرستد. جهان باید از مشروعیت مقاومت و نبرد جوانان شورشگر ایران علیه پاسداران وحشی حمایت کند و نبرد مردم ایران برای سرنگونی رژیم را به رسمیت بشناسد. همان حقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در انقلاب کبیر فرانسه و در قانون اساسی آمریکا به رسمیت شناخته شده است. مردم ایران چنان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، «به‌عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار» برخاسته‌اند. این، باید به رسمیت شناخته شود.

دانشگاهی برای میلیون‌ها جوان شورشگر میهن

قیام آبان‌ماه لحظه خیره‌کننده‌یی در تاریخ ایران است با درس‌های درخشان و ماندگار. دانشگاهی است برای میلیون‌ها جوان شورشگر میهن:

- در فراگیری استراتژی و تاکتیک قیام و سرنگونی،
- در کسب آگاهی عمیق از آمادگی انقلابی جامعه جهت یک تغییر بنیادی،
- در فهم و درک هرچه روشن‌تر از پوسیدگی یک رژیم بی‌راه‌حل،
- در بطلان سراب اعتدال و میانه‌روی و جستجوی راه‌حل بی‌هزینگی،
- هم‌چنین بر باد رفتن راه‌حل‌های حاشیه نظام و استراتژی‌های پوشالی و میان تهی.
- در دود شدن همه روضه‌خوانی‌های رژیم و ایرادگیری‌های متحدان بالفعل همین رژیم به استراتژی و خط مشی مجاهدین، از روز ۳۰ خرداد تا همین امروز.
- و در چشم‌گشودن به نیروی رزمنده ضد رژیم و ستون فقرات نبرد سرنگونی.

- ثابت شد که سزای این رژیم هم‌چنان که مسعود رجوی گفته بود سیل آتش است. و سپاه پاسداران ولایت فقیه هم باید در هم کوبیده شود. جذب آن یا قسمتی از آن، هیچ چیز جز جذب شدن در آن نیست.

این چنین صنایع سخیف آلترناتیوسازی دست‌نشانده و وابسته، با دست داشتن مستقیم یا غیرمستقیم رژیم، به اشاره این یا آن قدرت یا سرویس خارجی، مانند کف روی آب به کناری رفت.

مقاومت ایران سرفراز شد. ارتش آزادیبخش ملی با جوانان و لشکرهای شورشی، و آتشفشان گرسنگان و بیکاران و سرکوب‌شدگان به اوج رسید.

صورت مسأله به سادگی و روشنی این است: کدام نیرو و کدام استراتژی و خط مشی است که می‌تواند این رژیم را بر زمین بزند؟ خودبه‌خودی است یا سازمانیافته؟ رو به گذشته یا رو به آینده؟ با حرف‌های مفت و بی‌هزینه یا خون سرخ و جوشان؟ خلق‌الساعه در دوردست‌ها و خارجه یا برآمده از ۶دهه مبارزه پر رنج و خون با دیکتاتوری شاه و شیخ؟

ما به هر کس که در میدان عمل می‌خواهد و می‌تواند رژیم ولایت فقیه را بر زمین بزند خوشامد می‌گوییم. به شرط اینکه به ایران و فاشیسم دینی حاکم بپردازد. به سرنگونی بالفعل دشمن خلق بپردازد و به کلی بافی، و حرف‌های دهان پرکن و شعارهای بی‌ضرر و زیان و کبریت بی‌خطر برای رژیم اکتفا نکند. بله امروز همه می‌دانند که سرخ‌ترین نام و نخستین خط قرمز رژیم، کماکان مانند ۴۰ سال گذشته، نام مجاهد خلق است. مأموران رژیم به صراحت می‌گویند که خط قرمز آن‌ها حتی خامنه‌ای هم نیست، «بلکه سازمان مجاهدین خلق است».

خواهران و برادران،

اجازه بدهید در همین‌جا گرامی بداریم، نام و یاد و راه و آرمان دو فدیه بزرگ اشرف ۳ برای آزادی خلق و میهن را در ۲۳ و ۲۴ آذر، منظورم مجاهدان صدیق عبدالصمد ساجدیان و خواهر عزیزم بهناز مجلل است. بر آن‌ها هزاران درود.

برادر عزیزم صمد مجاهدی بود که با ۵۳ سال سابقه مبارزاتی تأثیرات و آموزش‌های بنیانگذاران را در منش وارسته خود تثبیت کرده بود. الگویی از تواضع انقلابی، یار مسعود و مظهری از شرافت مبارزاتی در زمانه ما. بهترین توصیف او جملات خود اوست گفته بود که: «معمولا افراد در دنیا ثروت می‌اندوزند ولی با دست خالی از این دنیا می‌روند اما کسانی که مبارزه را انتخاب کردند و در این دنیا همه چیزشان را فدای خلقشان می‌کنند و چیزی برای خودشان ندارند با دست پر از این دنیا می‌روند».

و خواهر عزیزم بهناز که پس از یک بیماری سخت به‌عهد خود با خدا و خلق وفا کرد و به‌کاروان مجاهدان و شهیدان آزادی پیوست.

مجاهد صدیق بهناز مجلل عضو شورای مرکزی، هم در زندگی مبارزاتی خودش و هم در نبردش با بیماری، شخصیت یک زن پیشتاز و رها را اثبات کرد و رستگار شد.

به‌این مجاهدان والا درود می‌فرستیم و مطمئنیم راه سراسر شرف و افتخاری که آن‌ها در پایداری علیه دیکتاتوری‌های شاه و شیخ طی کردند، توسط نسل جوان و قیام‌آفرین ایران تا پیروزی ادامه می‌یابد.

همبستگی لازمه استمرار قیام

همبستگی و همیاری، لازمه استمرار قیام است. حمایت از خانواده‌های شهیدان، رسیدگی به مجروحان و یاری رساندن به کانون‌های شورشی به هر شکل و به هر اندازه که ممکن باشد یک وظیفه ملی است. با بزرگداشت فرزندان فداکار مردم ایران و برپایی ایام یادبود شهادت آن‌ها، روحیه و عزم مردم ایران را در هر جایی که هستید، بالا و بالاتر ببرید.

حمایت و همراهی با کانون‌های شورشی، یک ضرورت و مشارکت در ترسیم سرنوشت روشن فردای ایران است.

سلام بر شهیدان،

سلام بر قیام آفرینان،

سلام بر آزادی و ارتش آزادی.